

نگاهی به نسخه خطی شرح دیوان ناصر علی سرهندی

دکتر نجم الرشید

دانشیار، گروه فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

چکیده:

شروع نویسی فارسی در شبه قاره از اهمیت والایی برخوردار است. دانشمندان و نویسندگان فارسی این منطقه به شرح آثار شاعران معرف فارسی ایران و شبه قاره پرداخته اند. بهلول کول برکی جالندهری از شار حان پنجاب است که در شرح آثار حافظ شیرازی، صایب تبریزی، ناصر علی سرهندی و غنی کشمیری تالیفات بسیار پرارزش به یادگار گذاشته است. در مقاله حاضر، نسخه خطی شرح دیوان ناصر علی سرهندی او که در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور نگهداری می شود، از نظر جنبه های مختلف مورد معرفی و بررسی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: بهلول کول برکی جالندهری، شرح دیوان ناصر علی سرهندی، نسخه خطی، نقد و بررسی.

بهلول کول برکی جالندهری (۱)، عارف، نویسنده، شاعر و شارح فارسی زبان بود. وی در جالندهر زاده شد و در همانجا درس خواند. او به عرفا و دانشمندانی چون شاه بهیکه چشتی، شاه بلاق قادری لاهوری، سید علیم الله جالندهری ارادت و وابستگی داشت. در ۱۱۷۰ ق / ۱۷۵۱ م در گذشت و مزارش در جالندهر است.

آثار بهلول:

- ۱- فواید الاسرار فی رفع الاستار عن عیون الاغیار
- ۲- شرح دیوان حافظ
- ۳- شرح دیوان غنی
- ۴- شرح دیوان ناصر علی سرهندی
- ۵- شرح دیوان صائب تبریزی
- ۶- شرح مثنوی معنوی
- ۷- شرح مخزن الاسرار
- ۸- سیف المسلول علی من اعرض عن سماع الرسول
- ۹- عقاید علیه در مذهب صوفیه
- ۱۰- فواید فی علم العقاید
- ۱۱- دیوان بهلول
- ۱۲- احوال نامه

مشخصات نسخه:

نسخه خطی از شرح دیوان ناصر علی سرهندی در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور در مجموعه شیرانی، به شماره 5192/2181/3 نگهداری می شود. (۲)

این نسخه در يك مجلد که دارای سه شرح از بهلول کول برکی (شرح دیوان صایب، شرح دیوان ناصر علی سرهندی و شرح دیوان غنی کشمیری) است، وجود دارد. این مجلد مشتمل بر ۱۷۸ برگ است. شرح دیوان صایب در برگ های ۴۹-۲، شرح دیوان ناصر علی

سرهندی در برگ های ۱۴۹- ۵۰، و شرح دیوان غنی کشمیری در برگ های ۱۷۸- ۱۵۱ آمده است. از ترقیمه بر می آید که کاتب این نسخه یکی از شاگردان بهلول کول برکی است (۳).

آغاز مقدمه:

”سبحان الله الذی فتح لمثلی معنیات کلام تلامذه... فی الرتبة العظیم و او صح بنا لطایف اشعار هم کالدرا الیتیم والصلوة والسلام بعدد کل مائة الف مرة علی رسولہ الکریم.....“ (۴)

آغاز شرح:

”به فتح نیافت عقل اول و عقل کل صلح و حقیقت انسان را گویند ای مرتبه وحدت فطرت بالکسر آفرینش و آغاز کارها. قوله من؛ مراد از انسان مطلق است چونکه محل فخر بود....“ (۵)

پایان شرح:

”به فتح یعنی سرمان و تموز ضدآن. ای گرمان ، بدان ای عزیز با تمیز....“ (۶)

پایان ترقیمه:

”تمام شد به خط شارح عفی عنه“ (۷).

مطالب مقدمه :

☆ شارح ضمن مقدمه شرح حاضر يك متن مصنوع ارائه داده و بعد از حمد و سپاس

بروردگار به مدح پیامبر (ص) پرداخته است و خود را به نام بهلول کول بن مرزا خان

البرکی ثم الجالندهری و نسبت خود را به بهیکه سیوانی معرفی می کند (۸).

☆ بهلول کول این شرح را در ۱۲۴ هـ. ق به نگارش در آورد (۹).

☆ وی در مقدمه، درباره دیوان ناصر علی سرهندی چنین به ستایش می پردازد:

”در سنه يك هزار [و] یکصد [و] بیست و چهار به حل بعضی از ابیات دیوان ناصر

علی سرهندی النقشبندی که در زمان خود در دقت معانی و الفاظ در فشانی نظیری

نمی داشت، رسیده ام....“ (۱۰).

- وی در مقدمه کتاب، به شروع دیگر خود مانند: شرح دیوان حافظ شیرازی، شرح مثنوی جلال الدین رومی، شرح دیوان، غنی کشمیری و شرح دیوان میرزا صایب نیز اشاره داشته است (۱۱).

شیوه شرح و شارح:

- شیوه شارح چنین است که گاهی نخست لغات بیت را معنی کرده و گاهی به اسلوب ساده بیت را به نثر توضیح داده است.
- بعضی جاها بیت را کاملاً نوشته و سپس معنی می کند و بعضی جاها مصراع به مصراع معنی می کند.
- متن شرح مشتمل است بر دو قسمت: در قسمت اول، شارح ابیات قصیده ناصر علی سرهندی را از برگ ۵۱ تا برگ ۶۰ پ شرح می کند؛ و در قسمت دوم، ابیات غزل او را از برگ ۶۰ تا ۱۴۹ پ تفسیر می کند.
- شارح به مسایل دستوری هم اهمیت داده است و از جمله آنها می توان به این نکات اشاره کرد: فعل و فاعل، مضاف و مضاف الیه، صفت و موصوف، لازم و متعدی و تتابع اضافات.
- در اغلب نمونه ها، نکات ادبی و شعری مورد توجه شارح بوده است.
- وی در ضمن توضیح اشعار به برخی از عناصر خیال، مانند: تشبیه، استعاره و کنایه هم توجه داشته است.
- شارح در توضیح اشعار و در تایید حرف های خود ابیاتی از شاعران دیگر نیاورده است. تنها در یک نمونه، بیتی از غنی کشمیری را به عنوان شاهد آورده است.
- در بعضی از نمونه ها، به صنعت های بدیع، مانند: تمثیل (= اسلوب معادله)، و لفی نشر

مرتب نیز اشاراتی داشته است.

- شارح در بعضی موارد، اشعار ناصر علی سرهندی را مورد اعتراض و اصلاح قرار می دهد و به وسیله پیشنهاد کلماتی که از نظر معنی رساتر است به اصلاح اشعار شاعر می پردازد.
- ناصر علی سرهندی مصراع های اشعار شعرا را هم به عنوان تضمین در دیوان خود آورده و شارح به این نکته هم توجه داشته است.

نمونه های برجسته از موارد و نکات یاد شده:

توضیح معانی و تفسیر بیت:

- ”دیدم آثار قیامت همه گم کرده پی اند
- (۱۲) خوبی دور تو شد مرکز ادوار قدیم
- مرکز بالفتح جای بلند و میانه چیزی و دایره پرکار“ (۱۳)
- ”می کنم منع تناسخ همه روحی همی روح
- (۱۴) استخوان است که در قبضه خاک است رمیم

به فتح و کسر میم استخوان بوسیده و کهنه شده. تناسخ عبارت از انتقال روح است از بدن عنصری به بدن عنصری دیگر خواه اعلی باشد خواه ادنی همچون کتابی که از صفحه انتساخت به صفحه دیگر نمایند. قوله همه روح ربط به مصراع اخیر دارد، همانا چون مضمون بیت موهم بر مذهب اهل تناسخ بود لهذا شاعر را برای رفع توهم قوله منع تناسخ آورده و گرنه در این مقام هیچ احتیاج این قول نیست. مقصود آنکه، یعنی همه روح را روح هستی توای همه ارواح از روح تو زنده اند و بی روح تو همه بیکار اند و در بعضی نسخ به جای کلمه ”منع“، لفظ ”صنع“ به صاد یافته شده معنی آنکه برکاری گری تناسخ سخن می گویم... (۱۵).

دستور:

- شبنم اختر افلاک بریزد به زمین
- (۱۶) اشک اگر قطره زند بر سر مژگان یتیم

”قوله بریزد لازمی و متعدی هر دو آمده، اما بر این صورت فاعل آن ممدوح یا اشک

یتیم باشد“ (۱۷).

- ”از رشتۀ سرشک دل چاک دو ختم

کردم به تار پنبۀ شب‌نم رفوی گل (۱۸)

کردم به تار پنبۀ شب‌نم تتابع اضافات است“ (۱۹).

- از تاب آفتاب رخس در چمن علی

هر شب‌نم است چشم برآبی به روی گل (۲۰)

”قوله از تاب آفتاب رخس تتابع اضافات است و علی منادی است و چشم موصوف

است و جمله پر آب صفت آن“ (۲۱).

عناصر صورخیال:

تشبیه:

- به شمع روشن این کلبۀ تار التجا دارد

اگر دل در گداز آید توان حل کرد مشک‌ها (۲۲)

”دل را تشبیه است به کلبۀ تار و گداز را به شمع روشن. انسب و الیق این است که

کلبه تار مراد از سینه باشد و شمع روشن عبارت از دل روشن. همانا حرف یا که در

کلمه روشنی واقع شده برای تنکیر است“ (۲۳).

استعاره:

- ”بعد درویشی اگر هیچ نباشد شاهی

نستانم صله تا کج نگذاری دیهیم (۲۴)

”همانا کلاه کج گذاشتن استعاره از خوشی و خرّمی است تفصیل آنکه اگر نزد نقد

درویشی اگر شاهی را قدر و منزلت بودی پس خواه خواه از تو صله بگرفتمی“ (۲۵).

کنایه:

- ”به تحدی زدم امروز چه یونان چه عراق

نظرم بست طلسمی نبود حد حکیم (۲۶)

تحدی به فتح‌تین مع التشدید از کسی درخواستن که کسی با او معارضه کند در کاری
و یا معترف شود به عجز خود. قوله طلسم کنایه از شعر است “ (۲۷).

علل و معلول مصراع‌ها:

- ”در پس پرده ناسور دلم زخم بسی است

دیدم از رخنه این باغ گلستانی را (۲۸)

علت مصراع بالاست “ (۲۹).

ایراد و اصلاح:

- ”چو دل نخچیر غفلت گشت نفس آگاه می گردد

بود آرام گرگ از کثرت خواب سگان کردن (۳۰)

شاید که کلمه ”سگان“ سهو کاتب باشد و به جای آن لفظ ”شبان“ بود که به معنی
چوپان آمده چه بر صورت اول، در این بیت شبهه به دو وجه پیدا می شود: نخست آنکه قوله سگان
را که به صیغه جمع است تشبیه است به کلمه دل که مفرد است؛ ثانی آنکه در بیت ما نحن فیه که
تشبیه سگ بیدار به دل هوشیار و تشبیه سگ خفته به دل غفلت شده لازم می آید. این نیز غیر
مناسب است. پوشیده نماند در بعضی نسخ که مضمون این مصراع را به این عبارت یافته شده:

بود آرام گرگ را ز خواب پاسبان کردن

این هم مناسب نیست زیرا که در این صورت کسر کلمه گرگ یا حرف یا اگر باشد بی

فایده و لغو بود “ (۳۱).

پاورقیها:

۱- برای اطلاعات بیشتر از احوال و آثار بهلول کول بر کی جالندهری، نگاه کنید به:

برزگر، ”بهلول جالندهری“، ۵۲۷-۵۲۶؛ بشیر حسین، ۳/ ۴۴۴؛ چاند بی بی،

صص ۱۷۳-۱۶۳؛ رحمان علی، ص ۳۴؛ غلام سرور، ۱/۴۹۸؛ ظہورالدین،
 ۳/۳۹۶-۳۸۷؛ قاسمی، ”بہلول کول برکی جالندھری“، ص ۹۷۹؛ ہمو،
 ۱۸۵۰؛ منزوی، ۲/۱۱۵۵، ۳/۱۵۷۶، ۱۶۰۳، ۱۶۴۹، ۱۷۰۷، ۷/۹۸۰؛ نبی
 ہادی، ص ۱۱۵۔

۲۔ بشیر حسین، ص ۴۴۴/۳۔

۳۔ برکی، نسخہ خطی شرح دیوان ناصر علی سرہندی، صفحات مختلف

۴۔ برکی، پ ۵۰۔

۵۔ ہمو، پ ۵۱۔

۶۔ ہمو، پ ۱۴۹۔

۷۔ همان۔

۸۔ ہمو، پ ۵۰۔

۹۔ همان۔

۱۰۔ ہمو، ۵۰ پ و ۵۱ ر۔

۱۱۔ ہمو، ۵۱ ر۔

۱۲۔ سرہندی، ص ۲۴۶۔

۱۳۔ برکی، ۵۷ ر۔

۱۴۔ سرہندی، ص ۲۴۶۔

۱۵۔ برکی، ۵۶ رو پ۔

۱۶۔ سرہندی، ص ۲۴۶۔

۱۷۔ برکی، ۵۳ ر۔

۱۸۔ سرہندی، ۱۷۵۔

۱۹۔ برکی، ۲۰۳ پ۔

۲۰۔ سرہندی، ص ۱۷۶۔

- ۲۱- برکی، ۲۰۳ پ
- ۲۲- سرهندی، ص ۵۵.
- ۲۳- برکی، ۶۱ ر.
- ۲۴- سرهندی، ص ۲۴۸.
- ۲۵- برکی، ۶ ر.
- ۲۶- سرهندی، ۲۴۸.
- ۲۷- برکی، ۵ پ.
- ۲۸- سرهندی، ص ۳۵.
- ۲۹- برکی، ۶۲ ر.
- ۳۰- در دیوان سرهندی این مصراع چنین نوشته شده است:
بود آرام گرگ از کثرت خواب شبان کردن
سرهندی، ص ۲۰۵.
- ۳۱- برکی، ۱۱۴ پ.

کتابشناسی:

- ☆ برزگر، حسین، "بهلل جالندهری"، دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ☆ برکی، بهلول کول جالندهری، شرح دیوان ناصر علی سرهندی، نسخه خطی، 5192/2181/3 نگهداری می شود.
- ☆ بشیر حسین، محمد، فهرست مخطوطات شیرانی، ج ۳، لاهور، ۱۹۷۳ م.
- ☆ چاند بی بی، سیده، حافظ شناسی در شبه قاره، اسلام آباد، ۲۰۰۷ م.
- ☆ رحمان علی صاحب، تذکره علمای هند، لکهنو، ۱۹۱۴ م.
- ☆ سرهندی، ناصر علی، دیوان ناصر علی سرهندی، به تصحیح رشیده حسن هاشمی، اسلام آباد، ۲۰۰۵ م.

- ☆ ظہور الدین احمد، پاکستان میں فارسی ادب، ج ۳، لاہور، ۱۹۷۷ م.
- ☆ غلام سرور، خزینۃ الاصفیاء، نولکشور، بی تا.
- ☆ قاسمی، شریف حسین، ”بہلول کول برکی جالندھری“، دانشنامہ زبان و ادب فارسی در شبہ قارہ، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تہران، ۱۳۸۴ ش.
- ☆ ہمو، فہرست نسخہ ہای خطی و چاپی دیوان حافظ در ہند، دہلی نو، ۱۹۸۸ م.
- ☆ منزوی، احمد، فہرست مشترک نسخہ ہای خطی فارسی پاکستان، ج ۲، ۳، ۹، اسلام آباد، ۱۹۸۴؛ ۱۹۸۴؛ ۱۹۸۸.

☆ Nabi Hadi, Dictionary of Indo - Persian Literature, Delhi, 1995.